



## نگاهی گذرا به سابقه ارزیابی مستمر کیفیت در آموزش عالی ایران

دکتر عباس بازرگان<sup>۱</sup>

استاد دانشگاه تهران

تحولات نظام آموزش عالی کشور تا دهه ۱۳۶۰ خورشیدی از نظر جمعیت دانشجویی چندان قابل توجه نبود. اما در دهه های بعد، هماهنگ با رشد جمعیت دانشجویی در سایر کشورها، تعداد دانشجویان در ایران نیز به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافت. دانشجویان کشور، که در سال ۱۳۵۷ در حدود ۱۸۰ هزار نفر بود، به ۱۲۷۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۷۶ بالغ شد. از این تعداد ۵۹۸۰۰۰ نفر (۴۶/۹٪) در دانشگاه های دولتی و بقیه در دانشگاه های غیر دولتی مشغول تحصیل بودند. در این سال تعداد اعضای هیات علمی بالغ بر ۳۶۰۰۰ نفر بود که ۶۱ درصد آنان در دانشگاه های دولتی مشغول کار بوده اند. بدین ترتیب توسعه کمی آموزش عالی غیردولتی در مدتی در حدود ده سال، با توسعه کمی آموزش عالی دولتی، که در مدت نیم قرن رخ داده بود، برابر شد. در سال های بعد، تعداد دانشجویان با آهنگ بیشتری افزایش یافت؛ به طوری که در سال ۱۳۹۱ جمعیت دانشجویی به بیش از ۴/۵ میلیون نفر بالغ گردید. بدین سان، حجم جمعیت دانشجویی با رشدی سریع افزایش یافته است، اما سایر عوامل نظام آموزش عالی (از جمله هیات علمی) از رشدی هماهنگ با رشد دانشجویان بهره مند نبوده است.

علاوه بر آن، در سال های یادشده با ایجاد دانشگاه های علوم پزشکی و مراکز آموزش عالی وابسته به وزارتخانه ها و سایر سازمان های دولتی، ضرورت پاسخگویی آموزش عالی به نیازهای جامعه را بیش از پیش مطرح کرده بود. بنابراین، در اوایل دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، این پرسش مطرح شده بود که:

*"با توجه به تحولات کمی یاد شده چگونه می توان آموزش عالی را پاسخگو کرد و کیفیت آن را بهبود بخشید؟"*

پاسخ به این پرسش مستلزم انجام ارزیابی مستمر آموزش عالی بوده است. هرچند، ارزیابی برخی عوامل درونداد نظام دانشگاهی (از جمله داوطلبان ورود به آموزش عالی و هیات علمی) در نظام آموزش عالی ایران، همزمان با شروع موسسه های آموزش عالی در دهه ۱۲۹۰ خورشیدی متداول شده بود، اما نسبت به ارزیابی مستمر کیفیت آموزش عالی تا دهه ۱۳۷۰ تمایلی وجود نداشته است.

وانگهی، به منظور "تجسس در باره امور"، هیاتهای بازرسی برای شناسایی و رفع مشکلات رسمی دانشگاهی در دهه های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ خورشیدی به دانشگاه های مختلف اعزام می شدند اما فرایند ارزیابی مستمر و تشکیلات سازمانی آن در وزارت متبوع مورد توجه نبود. توجه به ایجاد واحد سازمانی برای ارزیابی در آموزش عالی ایران در سال ۱۳۶۵ نمایان شد. در این راستا، دفتر نظارت و ارزیابی در وزارت متبوع و سپس در دانشگاه ها ایجاد شد. همزمان، هیات هایی مرکب از چند نفر از اعضای هیات علمی به همراه یک یا چند نفر کارشناس از سوی وزارتخانه ذی ربط به دانشگاه مورد نظر اعزام می شدند. این هیات ها ضمن بازدید کوتاهی از نظام دانشگاهی مورد ارزیابی، گزارشی مبتنی بر مشاهده، مصاحبه و داده های قابل دسترسی درباره اوضاع دانشگاه مقصد تهیه و به مسئولان وزارتخانه عرضه می کردند. بدین سان، در دوران یادشده، با توجه

<sup>۱</sup> پیشنهاد دهنده (طراح) مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه تهران و مشاور شبکه کیفیت آموزش عالی در آسیا و اقیانوسیه

به شیوه مورد استفاده، ارزیابی انجام شده در نظام آموزش عالی ایران در جهت سنجش کیفیت و بهبودی آن چندان موثر نبوده است.

با توجه به مطالب فوق، کوشش های ارزیابی آموزش عالی کشور امری موسمی بوده و استمرار نداشته است. از این رو، در کوشش های انجام شده بهبودی کل نظام دانشگاهی مورد توجه قرار نگرفته است. بدین جهت، شناسایی رهیافت مناسب ارزیابی که با استفاده از آن بتوان به طور مستمر به بهبود کیفیت نظام های دانشگاهی پرداخت، ضرورت داشته است. این ضرورت ابتداء در نظام آموزش پزشکی و توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی احساس شد.

با توجه به مراتب یاد شده، در سال ۱۳۷۴ خورشیدی، به درخواست دفتر نظارت و ارزیابی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، طرح ارزیابی مستمر آموزش پزشکی، توسط نویسنده، تدوین شد. در اجرای این طرح و نتایج حاصل از آن، تجربه های سنجش آموزش عالی در سطح ملی و بین المللی شناسائی شد. براین اساس، فرایند ارزیابی درونی گروه های آموزش پزشکی و مراحل آن مشخص گردید. حاصل این کوشش، تدوین و اجرای طرح آزمایشی ارزیابی درونی درشش گروه آموزشی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۷۵ خورشیدی بود. بر اساس نتایج حاصل از اجرای این طرح، رویکرد مناسب برای ارزیابی درونی، جهت بهبود کیفیت آموزشی دانشگاه های علوم پزشکی، عرضه گردید.

براساس این رویکرد، به سوال های زیر پاسخ داده شد:

۱. ارزشیابی درونی گروه های آموزشی- درمانی و فرایند تدوین هدف ها چگونه انجام شود؟
۲. مطلوبیت عوامل درونداد گروه های آموزشی-درمانی چگونه مورد قضاوت قرار گیرد؟
۳. مطلوبیت فرایند اصلی (تدریس-یادگیری) گروه های آموزشی چگونه مورد قضاوت قرار گیرد؟
۴. چگونه مطلوبیت عوامل برونداد (دانش آموختگان، ...) مورد قضاوت قرار گیرد؟
۵. چگونه براساس نتایج ارزیابی درونی در گروه های آموزشی می توان به بهبود کیفیت پرداخت؟

با توجه به نتایج موفقیت آمیز طرح ارزیابی یادشده، آموزش عالی پزشکی در سال های بعد نسبت به اشاعه رویکرد ارزیابی درونی در دانشگاه های علوم پزشکی کشور اقدام کرد. همچنین، برخی ز دانشگاه های علوم پزشکی به ارزیابی برون کیفیت برخی از گروه های آموزش پزشکی پرداختند.

ارزیابی درونی در دانشگاه تهران نیز برای اولین دفعه در گروه آموزشی ترویج و آموزش کشاورزی در دانشکده کشاورزی انجام شد و گزارش آن در سال ۱۳۷۷ منتشر گردید. در سال های بعد، به تدریج گروه های دیگری در دانشکده های مدیریت و هنرهای زیبا دانشگاه تهران به ارزیابی درونی پرداختند.

علاوه بر آن، در سال ۱۳۷۸ همایشی توسط انجمن پژوهش های آموزشی ایران برگزار شد و در آن نتایج حاصل از اجرای ارزیابی درونی توسط مجریان ارزیابی درونی در آموزش پزشکی و سایر رشته ها عرضه شد. در این همایش برخی مسئولان آموزش عالی جامع نیز حضور داشتند. بدین طریق، تبادل تجربه در باره اجرای ارزیابی کیفیت میان آموزش پزشکی و نیز آموزش عالی جامع به عمل آمد.

در سال ۱۳۷۹ خورشیدی، وزارت علوم و آموزش عالی با توجه به نتایج طرح ارزیابی درونی در دانشگاه های علوم پزشکی در صدد به کار گرفتن الگوی ارزیابی درونی در آموزش عالی جامع برآمد. برای این منظور، وزارت متبوع ضمن درخواست از سازمان برنامه و بودجه برای تخصیص بودجه ای ویژه در برنامه پنجساله توسعه آموزش عالی، به سازمان سنجش آموزش کشور، برای یاری دادن به دانشگاهها جهت ارزیابی درونی، تفویض اختیار کرد. این سازمان، در سال های بعد، به دانشگاه های داوطلب یاری داده است تا به انجام ارزیابی درونی بپردازند. کوشش های یادشده، که با مشاورت نویسنده، توسط سازمان سنجش آموزش کشور انجام شد موجب گردید که تا سال ۱۳۸۴ خورشیدی در بیش از ۴۵ دانشگاه کشور بیش از ۵۴۰

گروه آموزشی به ارزیابی درونی بپردازند. این کوشش ها در دهه بعد ادامه یافت به طوری که بیش از ۱۰۰۰ گروه های آموزشی در آموزش عالی کشور به امر ارزیابی درونی پرداختند.

اما، نظر به این که یک **نهاد ملی ارزیابی و اعتبار سنجی** مسئولیت سیاست گذاری و برنامه ریزی ارزیابی و بهبود کیفیت را بر عهده نداشت، نتایج ارزیابی درونی پیگیری نشد؛ بالمآل ارزیابی برونی مورد توجه قرار نگرفت. از این رو، **نتایج انجام ارزیابی های درونی مطابق با انتظارات در بهبود کیفیت دانشگاهها موثر واقع نشده است.**

همان طور که اشاره شد، در سطح نظام آموزش عالی یک نهاد ملی مسئولیت ارزیابی و اعتبار سنجی دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی را برعهده نداشت است؛ اما در سطح دانشگاهی، براساس تجربه های به دست آمده از ارزیابی های درونی در دانشگاه تهران ایجاد این نهاد در دانشگاه تهران ضروری می نمود. از این رو، با توجه به نتایج مطلوب کوشش های ارزیابی درونی گروه ها در دانشگاه تهران، و نیز پیگیری دست اندرکاران ارزیابی درونی در این دانشگاه، پیشنهاد ایجاد یک واحد سازمانی مسئول ارزیابی و بهبود کیفیت در سطح دانشگاه به بار آمد. بدین سان، دانشگاه تهران طرح ایجاد **مرکز ارزیابی کیفیت دانشگاه** را در سال ۱۳۸۴ تصویب کرد. این مرکز در سال ۱۳۸۵ رسماً آغاز به کار کرد. در سال های ۱۳۸۵-۱۳۹۲ بیش از ۴۰ گروه آموزشی در صدد ارزیابی درونی برآمدند. از این گروه ها ۱۲ گروه آموزشی با مشارکت اعضای هیات علمی، ارزیابی درونی را به انجام رساندند و گزارش آن را تهیه و عرضه کردند. همچنین، چهار گروه آموزشی داوطلبانه حاضر شدند از طریق گروه همگنان مورد ارزیابی برونی قرار گیرند. از جمله گروه هایی که در آنها با استفاده از نتایج ارزیابی برونی اقدام برای **بهبودی در سطح نظام آموزش عالی در رشته ذی ربط به عمل آمد**، گروه روان شناسی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی می باشد.

علاوه بر دانشکده های یادشده در دانشگاه تهران، پردیس دانشکده های فنی نیز برای ارزیابی آموزش مهندسی از اواخر دهه ۱۳۸۰ در صدد اجرای ارزیابی درونی برخی گروه ها برآمده است. همچنین، با ایجاد انجمن آموزش مهندسی ایران در سال ۱۳۸۸ و **همت این انجمن در تاسیس نهادی برای ارزشیابی آموزش مهندسی در ایران**، در سال ۱۳۹۰ موسسه ارزشیابی آموزش مهندسی ایران بوجود آمد. این موسسه اولین نهاد ملی تخصصی برای ارزیابی و اعتبار سنجی در آموزش عالی ایران است. هر چند که تاکنون (۱۳۹۷ خورشیدی) **نهاد ملی ارزیابی و اعتبار سنجی آموزش عالی ایران** ایجاد نشده است، اما انتظار می رود که موسسه یادشده بتواند به عنوان یکی از نهادهای ملی تخصصی در رشته های مهندسی نقش مورد انتظار را ایفا نماید. یک نهاد ملی ارزیابی و اعتبار سنجی باید ۱۰ اصل زیر را رعایت کند، تا در سطح بین المللی مورد تأیید قرار گیرد.

## اصول روال مطلوب یک نهاد ارزیابی و اعتبار سنجی<sup>۲</sup>

۱. بیان آشکار رسالت نهاد؛
۲. رعایت بی طرفی و استقلال عمل در داوری ها و تصمیم گیری های مربوط به ارزیابی برونی؛
۳. در اختیار داشتن منابع مالی و نیروی انسانی کافی برای اجرای ارزیابی برونی کیفیت؛
۴. در دسترس قرار دادن راهنمای ارزیابی درونی و برونی کیفیت و اسناد مربوط به شیوه اجرای آن ها؛
۵. تشکیل گروه همگنان برای ارزیابی برونی و اطمینان یافتن از بی طرفی آنان نسبت به برنامه /گروه مورد ارزیابی ؛
۶. مقبولیت یافتن در میان دانشگاهیان ذی ربط، نسبت به امور مورد اجرا، از طریق اطلاع رسانی در باره سیاست ها، شیوه ها و معیارهای ارزیابی کیفیت و پاسخگو بودن در این باره؛
۷. دارا بودن سازوکار فرجام خواهی نسبت به نتایج ارزیابی برونی؛

<sup>۲</sup>. بازرگان، عباس (۱۳۸۶). ارزیابی مستمر برای بهبود کیفیت دانشگاهی: نگاهی به یک دهه تجربه در نظام آموزش عالی ایران. در رضا محمدی (ویراستار). مجموعه مقالات دومین همایش ارزیابی درونی برای ارتقاء کیفیت دانشگاهی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی - دانشگاه تهران، ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۹۵. تهران: انتشارات سامان سنجش آموزش کشور. (صص ۲۵-۵۰)

۸. برخورداربودن از سازوکار "فرارزیابی" برای تضمین کیفیت فعالیت های خود؛
۹. برقراری همکاری های میان-نهادی با نهاد های ارزیابی و اعتبار سنجی منطقه ای و بین المللی؛
۱۰. توجه به رسالت، ماموریت و هویت دانشگاه ها و موسسه های آموزش عالی و یار دادن به آن ها برای بهبودی آموزش عالی.

موسسه ارزشیابی آموزش مهندسی ایران بر آن است که ده اصل یادشده رابه دقت رعایت کند . علاوه برآن، با ترغیب و هدایت دانشگاه های صنعتی ، پردیس ها و دانشکده های فنی ومهندسی نسبت به ارزیابی درونی و سپس انجام ارزیابی برونی ، ارتقاء کیفیت نظام آموزش مهندسی را یاری دهد. بدین ترتیب ، موسسه یادشده می تواند الگویی برای سایر رشته ها باشد.